

بررسی و مدیریت سطح کیفیت زندگی با استفاده از تکنیک SWOT مطالعه موردی (شهرستان فریدونکنار)

لاله منجزی^۱، آسیه عابد پور^۲، مقداد عباسی^۳، حسین بابانتاج احمدی^۴، سید علی صیادی کناری^۵

^۱ کارشناسی ارشد، گرایش مدیریت مالی، دانشگاه آموزش عالی غیر انتفاعی خزر، واحد محمود اباد، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار، موسسه آموزش عالی پردیسان، واحد فریدونکنار، مازندران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، مازندران، ایران

^۴ کارشناسی ارشد، مهندسی نرم افزار کامپیوتر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، مازندران، ایران

^۵ کارشناسی ارشد، مهندسی علوم کامپیوتر، دانشگاه پیام نور، واحد محمود آباد، مازندران، ایران

چکیده

بررسی و سنجش کیفیت زندگی شهری در ایران با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص ایران و تأکید سند چشم انداز بیست ساله کشور بر این امر از اهمیت خاصی برخوردار است. این مهم بدلیل اهمیت روزافزون مطالعات کیفیت زندگی در پایش سیاست های عمومی و نقش آن بعنوان ابزار کارآمد در مدیریت و برنامه ریزی شهری است. با توجه به جایگاه کیفیت زندگی در شهرها و مناطق و با توجه به اینکه هنوز در ایران سیستم جامعی در زمینه سنجش کیفیت زندگی ایجاد نشده، توجه به بررسی جنبه های مختلف این امر می تواند راههایی برای دستیابی به نظام جامع سنجش کیفیت زندگی باشد. این پژوهش در پی آنست تا ضمن بررسی سطح کیفیت زندگی شهری در شهر فریدونکنار، تصویر روشنتری از وضعیت کیفیت زندگی برای مسئولین شهری ارائه نماید تا با ارائه راهکارها و برنامه ریزی دقیق سطح کیفیت زندگی شهری را ارتقاء بخشند. در تحقیق پیشرو به تبیین شاخصهای کیفیت زندگی در محلات مورد نظر با استفاده از داده پرسشنامه ای و داده های مستخرج از منابع دیگر پرداخته شده و جهت تعیین رتبه کیفیت زندگی محلات شهر و تحلیل متغیرهای مورد نظر از تکنیک SWOT استفاده شده است. نتایج حاصله نشان دهنده وجود وضعیت نه چندان مناسب کیفیت زندگی در شهر مورد مطالعه می باشد که نیازمند برنامه ریزی دقیق از سوی مسئولین با مشارکت مستقیم مردم است.

واژه های کلیدی: کیفیت، زندگی شهری، محلات، شهر فریدونکنار.

۱- مقدمه

مفهوم کیفیت زندگی را می توان از جمله مفاهیم گسترده ای دانست که اهمیت آن بطور روزافزونی در بسیاری از عرصه های مطالعاتی رشته های مختلف علمی و دانشگاهی در حال گسترش است (مؤذن، ۱۳۹۱). کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع بکار رود. لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن بدین منظور است که مردم توان بهره مندی از زندگی با کیفیت مطلوب را داشته باشند. عبارتی در یک جامعه شهری کیفیت زندگی برگرفته از تجربه مشترک ساکنان شهر از محیط شهر (مثلاً کیفیت هوا، آب، ترافیک، فرصتهای تفریحی، شغلی و...) و سطح توانایی شهر در پاسخگویی به اهداف مورد نظر ساکنان شهر می باشد. از سوی دیگر کیفیت زندگی ریشه در کفایت اقتصادی، سیاسی و الزامات اجتماعی یک شهر دارد. بطور کلی رویکرد کیفیت زندگی شهری تلاشی در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس همگان در چارچوب پایداری است. بنابراین در یک شهر سالم با کیفیت زندگی بالا شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در جهت توانمندسازی ساکنین شهر برای اجرای نقش های زندگی و شکوفایی استعداد های آن فراهم است. با توجه به پیچیدگی مفهوم کیفیت زندگی، چهار مفهوم رکن اساسی در کیفیت زندگی شهری را در بر می گیرد؛ این چهار بعد شامل پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری محیطی و پایداری کالبدی است (موسوی، ۱۳۹۱). شاخص های کیفیت زندگی شهری مناسب ترین، علمی ترین و رایج ترین ابزار برای بررسی وضعیت یا کیفیت زندگی شهروندان و شناخت مسائل آنان است که البته باید متناسب با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی هر جامعه و نظام حکومتی شناسایی شده و از آنها استفاده گردد.

۲- طرح مسئله

شهر به عنوان بستر زیست انسان شهرنشین نیازمند تأمین استانداردهایی است که در یک نگاه می توان آن را استانداردهای کیفیت زندگی نامید. کیفیت زندگی در واقع مفهومی چند بعدی و پیچیده است که از سوی متفکران علوم شهری و سایر اندیشمندان علوم مختلف مطرح و مورد پژوهش قرار گرفته است (لطفی، ۲۰۱۱). شکل گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی طی نیم قرن اخیر آن را به مفهومی کلیدی و مهم در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است (سلیگمان، ۲۰۱۱). در واقع همزمان و همگام با رویکرد توسعه پایدار شهری، مفهوم کیفیت زندگی شهری نیز جای خود را در ادبیات برنامه ریزی و مدیریت شهری باز کرده است (سایت همشهری، ۱۳۸۹). بحث کیفیت زندگی به تازگی در ادبیات توسعه پایدار و برنامه ریزی توسعه اجتماعی و مباحث اقتصاد نوین مطرح شده و جایگاه ویژه ای یافته است و دولتها در سطح ملی و محلی و نیز مؤسسات متعددی بر روی سنجش و شاخص سازی آن کار می کنند (خوارزمی، ۱۳۸۷). چنین امری به تغییر پارادایم توسعه منجر گردیده است. با آغاز دهه ۱۹۸۰ نگرشهای نوینی با عناوین شاخص پایداری رفاه اقتصادی (ISEW) و شاخص فیزیکی کیفیت زندگی (PQLI) مطرح گردید (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۸۵). شاخص پایداری رفاه اقتصادی می گوید تا تولید ناخالص ملی را با کسر تمام هزینه های محیطی و اجتماعی که در نتیجه بازتولید درآمد ملی ایجاد می شود محاسبه کند. شاخص فیزیکی کیفیت زندگی به سنجش مرگ و میر نوزادان، میزان سواد و امید به زندگی به عنوان معیارهای سنجش بهزیستی و رفاه می پردازند. می توان دغدغه دستیابی به فرم خوب شهری را از زمان شکلگیری اولین شهرها دانست و درگیری برای بهبود زندگی شهری راهم سن تاریخ شهرنشینی تخمین زد. رشد شهرنشینی و تمایل جمعیت های انسانی به محیط های شهری بستر با اهمیت شدن مفهوم کیفیت زندگی شهری را بیش از پیش

¹ - Index of sustainable economic welfare

² - Physical quality of life index

فراهم ساخته است. از طرفی یکی از مهمترین اهداف مدیریت شهری دستیابی ساکنین شهری به کیفیت زندگی مناسب و پایدار است. بالاترین هدف توسعه و مدیریت شهری، بهبود کیفیت زندگی و خوشبختی شهروندان است؛ حال آنکه کیفیت زندگی مفهومی چند بعدی است و جنبه های مختلفی را در بر می گیرد و بطور کلی شامل مسایل مادی و غیرمادی است. ارتقاء کیفی زندگی شهری در دوره معاصر با رشد چشمگیر جمعیت شهری در این دوران همراه بود. بدیهی است که رشد شهرنشینی همزمان با رشد امکانات و خدمات شهری، می تواند کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. افزایش شتابان جمعیت شهری، که یکی از مشخصه های شهرنشینی ایران در دهه های اخیر است، در بسیاری موارد اثرات ناشی از رشد کمی و کیفی امکانات و خدمات شهری را بر افزایش سطح کیفیت زندگی تعدیل کرده و ضمن کاهش سرانه برخورداری شهروندان از امکانات شهری، کیفیت زندگی در شهرها را ثابت نگه داشته و حتی در مواردی آن را کاهش داده است. لذا یکی از مهم ترین چالشهای کنونی جامعه شهری کشور، که علاوه بر مطالعات جمعیتی و فضایی شهرها باید به آن توجه شود، ارزیابی کیفیت زندگی شهری است (علی اکبری، ۱۳۸۹). شاخص کیفیت زندگی برای کشور ایران در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد ایران به لحاظ هزینه های زندگی نمره ۶۵، اوقات فراغت و فرهنگ رتبه ۵۴، اقتصاد ۵۰، محیط زیست ۷۱، آزادی ها ۱۷، سلامت ۶۹، زیرساختها ۴۰، ایمنی و خطر، آب و هوا ۶۴ است و در مجموع نمره ایران ۴۹ محاسبه شده است (خبرگزاری شهر، ۱۳۸۸). که متأسفانه به علت فقدان اطلاعات لازم در زمینه کیفیت زندگی، برنامه ریزی صحیحی به منظور افزایش سطوح کیفی زندگی شهروندی، چه در سطح حکومت مرکزی و ملی و چه در سطح حکومتهای محلی (که بارزترین و شاخص ترین نمونه آن در نظام سیاسی ایران شهرداری ها و شوراهای شهر هستند) انجام نشده است. از طرفی برای محاسبه کیفیت زندگی و مدلسازی اولویتها و انتظارات و نیازهای واقعی شهروندان، تدوین معیارها و شاخصهای کیفیت زندگی شهری اساسی ترین شرط لازم خواهد بود (سایت همشهری، ۱۳۸۹).

شهر فریدون کنار با توجه به ویژگی های خاص با وابستگی های روستایی و از سوی دیگر توریست پذیری آن و وجود فرهنگ ها و دیدگاههای مختلف اجتماعی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی چندان خوبی برخوردار نمی باشد به همین جهت بررسی سطح کیفیت زندگی شهری در شهر مورد نظر اهمیت می یابد و بیان این مسئله می تواند تصویر روشن تری از وضعیت کیفیت زندگی برای مسئولین شهری ارائه نماید تا به ارائه راهکارها و برنامه ریزی های دقیقی بپردازند و بدین وسیله سطح کیفیت زندگی شهری را ارتقاء بخشند.

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- تعاریف و مفاهیم کیفیت زندگی

بطور کلی، چهارچوب کلی و عمومی در رابطه با تعریف کیفیت زندگی و مفاهیم مرتبط ارائه نشده است. محققان بتناسب تخصص و زمینه کاری خود تعاریف متفاوتی از کیفیت زندگی شهری ارائه داده اند (فرجی، ۱۳۸۹). کیفیت زندگی مفهوم گسترده ای است که دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروههای مختلف است (رضوانی، ۱۳۸۸). واژه کیفیت زندگی سرچشمه روشنی ندارد. کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، یک تعریف پذیرفته عام ندارد. به هر حال در بیان کلی، کیفیت زندگی به مؤلفه (های) کامیابی یا رضایتمندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می شود. مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه جالب توجه دارد؛

- تنها به زندگی انسانی ارجاع دارد.
- بندرت در (صیغه) جمع بکار رفته (یعنی بصورت کیفیات زندگی) است.
- بعنوان یک عبارت عام و غیر قابل تقسیم می باشد که معنایش میتواند ناب و (خالص) باشد.

- مشکل است که آنرا به هررده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود.

فقدان یک تعریف استاندارد از این مفهوم، باعث شده است که گاه از واژه هایی نظیر رفاه، سطح زندگی، رضایت مندی از زندگی و نیز بجای واژه کیفیت زندگی در ادبیات مطروحه در این زمینه استفاده شود. کیفیت زندگی (موضوعی) چند رشته ای و چند شاخه ای است، از اینرو مفهومی چند بعدی است. مطالعات در مورد کیفیت زندگی می تواند بصورت سطوح متقاطع یا طولی باشد، با متغیرهای ساده و یا چندگانه. دو مدل معروف برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها پیشنهاد شده اند؛ مدل از بالا به پایین: براساس این فرض است که کیفیت زندگی ویژگی ثابتی است که باعث خروجی (نتیجه) های معینی در زندگی افراد می شود و مدل از پایین به بالا، که متکی است به این قضیه که متغیرهای خاصی کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می دهند.

داینر و ساهه (۱۹۹۷) استدلال کردند که سه رهیافت مهم علمی (فیلسوفانه) برای تعریف و تعیین کیفیت زندگی وجود دارند:

- مشخصه های کیفیت زندگی تحمیل می شود بوسیله ایده آل های هنجاری که بر اساس مذهب، فلسفه یا دیگر نظام ها می باشند.
- رضایت از اولویت ها (سودمندی انتخاب)
- تجربه افراد

این رهیافتها وابسته هستند به سه سنجه کیفیت زندگی: شاخصهای اجتماعی، شاخصها و نمایه های اقتصادی و سعادت مندی. داینر و ساهه استدلال کردند که یک یکپارچگی (همگردانی و اجتماع) از این سه سنجه میتواند سیاستگذاری را تسهیل کند (لطفی، ۱۳۸۸). لیو در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را «عنوانی جدید برای مفهوم قدیمی بهزیستی مادی و روانی مردم در محیط زندگی خود» توصیف کرده است. مولر در سال ۱۹۸۳ کیفیت زندگی را میزان رفاه افراد و گروهها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی تعریف می کند. پسیون در سال ۲۰۰۳ کیفیت زندگی را اینگونه تعریف می کند: «اصطلاح کیفیت زندگی به طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می کنند (مثل آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی صفات و ویژگی های خود مردم (مثل سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد». کوستانز او همکاران در سال ۲۰۰۷ کیفیت زندگی را بعنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروهها از بهزیستی ذهنی تعریف می کند. داسدر سال ۲۰۰۸ کیفیت زندگی را بعنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف می کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸). فو در سال ۲۰۰۰ کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می داند. وی همچنین کیفیت زندگی را این گونه تعریف می کند: «کیفیت زندگی در بسیاری موارد با دو مجموعه از شاخصهای عینی و ذهنی مورد مطالعه قرار می گیرد. شاخصهای ذهنی از راه سنجش ادراکات، ارزیابی ها و رضایت مندی شهروندان از محیط زندگی شهری دریافت شده، در حالی که شاخصهای عینی، مرتبط با حقایق قابل مشاهده است» (پورا احمد، ۱۳۹۱).

رافائل و همکارانش (۱۹۹۷) کیفیت زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی اش لذت می برد تعریف می کنند، در حالی که گروه RIVM مدعی است که کیفیت زندگی عبارت است از مسائل عینی همراه با تجهیزات غیرمادی زندگی که به نحوی مطابق با ادراکات شخص در مورد سلامت، محیط زندگی، کار، خانواده و..... تعیین شده است (فرجی، ۱۳۸۹). سازمان بهداشت

جهانی تعریف جامعی از کیفیت زندگی ارائه داده است؛ درک فرد از وضعیت کنونی اش با توجه به فرهنگ و نظام ارزشی که در آن زندگی می کند و ارتباط این دریافتها با اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت های مورد نظر. کالمن در سال ۱۹۸۴ می گوید که کیفیت زندگی گسترده و انبساط امیدوارزوست که از تجارب زندگی ناشی می شود. فرانس و پاورس در سال ۱۹۸۵ می نویسند؛ «کیفیت زندگی، ادراک فرد از رفاه است که بنظر می رسد از رضایت یا عدم رضایت در حیطه های اصلی زندگی ناشی می شود. زان در سال ۱۹۹۲ کیفیت زندگی را درجه رضایت در تجارب زندگی فرد می داند، وی می گوید کیفیت زندگی، شامل رضایت از زندگی، رضایت در تصور از خود، سلامت و فاکتورهای اجتماعی و اقتصادی است. تستاو و سیمونسون در سال ۱۹۹۶ کیفیت زندگی را ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی میدانند که محدود به تجارب، اعتقادات، انتظارات و ادراک بیمار است.

۲-۳- کیفیت زندگی در ایران

محدوده کیفیت زندگی در استانهای مختلف ایران بر حسب توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها متفاوت است. در استانهای کمتر توسعه یافته بدنبال سطوح پایین سرمایه گذاری در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کیفیت زندگی در سطوحی پایین قرار دارد. این در حالی است که در استانهای غنی تر، کیفیت زندگی در سطح بالاتری قرار دارد. نکته قابل تذکر اینست که در ایران طی دو دهه اخیر مطالعات کیفیت زندگی در استانهای کشور به طور مستقیم کمتر صورت گرفته و این در حالی است که جمعیت این نقاط به دنبال مهاجرت و افزایش طبیعی، همواره رو به افزایش بوده است. همینطور بدنبال تغییرات فرهنگی و ارزشی پدید آمده در کشور طی دو دهه اخیر داشتن تصویری گویا و بهنگام از استانهای کشور متعاقباً تأمین نیازهای آنها را اجتناب ناپذیر می نماید و در این خصوص چین نیز بعنوان یک نمونه ملموس قابل بیان است. این در حالی است که هند طی این مدت (دو دهه اخیر) پژوهش های ادواری و گوناگونی در زمینه اندازه گیری کیفیت زندگی در ایالات مختلف خود انجام داده است. در هر حال از آنجا که طرح اندازه گیری کیفیت زندگی به طور مستقیم در استانهای مختلف کشور به اجرا در نیامده است، با استفاده از داده های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی موجود، تصویری از کیفیت زندگی در استانهای مختلف کشور می توان ارائه داد.

۳-۳- رویکردهای کیفیت زندگی

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی را می توان در یک تقسیم بندی کلی به ۲ دسته توصیفی و تبیینی تقسیم کرد. مسئله محوری رویکردهای توصیفی سنجش کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای زمینه ای است. اما رویکردهای تبیینی معطوف به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی اعم از عوامل عینی و ذهنی هستند که رویکردهای تبیینی خود به دودسته عاملیت گرا و ساختارگرا تفکیک می شوند.

رویکردهای عاملیت گرا؛ این رویکردها غالباً مبتنی بر فردگرایی روش شناختی هستند و جامعه را نه به عنوان یک کلیت بلکه بعنوان جمع جبری افراد مورد توجه قرار می دهند. این گونه تبیین هرچند می پذیرد که عوامل فرافردی برای تبیین مفید هستند اما این عوامل را همچنان به زمینه های فردی فرو می کاهد و بر نقش کنشگری فرد در شکل دهی به فرآیندها تأکید دارد یعنی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت ها و توانمندی های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیط پیرامون (غفاری و ابراهیمی، ۱۳۸۴). بطور کلی چهار رویکرد عاملیتی را در مواجهه با کیفیت زندگی می توان شناسایی کرد که عبارتند از: مطلوبیت گرای، ارزش های عام، رویکردهای نیاز محور و رویکردهای قابلیت.

رویکردهای ساختارگرا؛ این رویکردها نسبت به رویکردهای عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردارند اول آنکه مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می دهند که تمامی حوزه هایی را که در بهبود کیفیت زندگی مؤثرند در برمی گیرد و دوم اینکه

بعنوان یک کلیت تمرکز دارند. از این حیث بعنوان مثال رویکرد نیازهای اساسی فاقدویژگی اول و تئوری نیازهای اساسی دوپال وگوف فاقد هر دو ویژگی است (فرجی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر قابل ذکر است کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را از وضعیت زندگی خود منعکس می سازد و با استفاده از شاخصهای ذهنی اندازه گیری می شود. در یکی از مهمترین روشها، کیفیت ذهنی زندگی می تواند میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی باشد. بر اساس این روش زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم شده و ترکیب میزان رضایت حاصل از هر یک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان میدهد. لی اظهار می کند که کیفیت باید ذهنی باشد و مناسبترین شیوه برای کشف کیفیت زندگی، پرسیدن ادراک مردم از زندگی آنهاست. وی همچنین معتقد است که شاخصهای ذهنی برای اهداف برنامه ریزی و سیاست گذاری نسبت به شاخصهای عینی ارجح تر است، زیرا این شاخصها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه ریزان و سیاست گذاران فراهم می کنند (لی، ۲۰۰۸).

۴-۳- شاخص های کیفیت زندگی

- تولید ناخالص داخلی (GDP):

اولین شاخص پیشرفت اجتماعی و کیفیت زندگی بشمار می آید. معمول ترین شاخص مورد استفاده برای مقایسه ثروت کشورها و معیاری برای بهزیستی و توسعه منحصرأ بر اساس ثروت مادی است. منتقدان می گویند، بدلیل اینکه GDP میان هزینه منفعت، مطلوب، نامطلوب و فعالیتهای مولد آسیب رسان تمایزی قائل نمی شود، نمی تواند معرف کیفیت زندگی باشد.

- شاخص پیشرفت اصلی (GPI):^۳

این شاخص نخستین بار توسط سازمان تعریف مجدد پیشرفت مطرح شد و دارای ۱۸ مؤلفه است که پیشرفت اجتماعی را در قالب ارزش پولی می سنجد. مهم ترین مؤلفه های این شاخص عبارتند از: زیرساخت های عمومی، آلودگی، توزیع درآمد، بیکاری، مرگ و میر در تصادفات و

- شاخص سلامت اجتماعی (SHI):^۴

این شاخص از ۱۶ مؤلفه تشکیل شده، که همه مراحل زندگی، همچنین فرد و جامعه را پوشش می دهد. مهمترین مؤلفه های این شاخص عبارتند از: مرگ و میر نوزادان، خودکشی نوجوانان، پوشش بیمه درمانی، مسکن، استفاده از مواد مخدر، متوسط درآمد هفتگی و

- شاخص توسعه انسانی (HDI):^۵

این شاخص که در سال ۱۹۹۰ توسط آندپ ارائه شد، هر ساله از طریق یک شاخص مرکب دستاورد کشورها را در توسعه انسانی می سنجد و بر اساس آن کشورها را درجه بندی می کند. HDI بر مبنای کار «Sens» طراحی شد و باعث اعتراف به ماهیت چند بعدی توسعه و گرایش به سمت استراتژی های مختلف برای حرکت از ارتقای رشد به ارتقای بهزیستی گردید. بنابراین HDI که با استفاده از دیدگاه Sens برای مقایسه بین المللی تصور شده بود، منجر به ایجاد شاخص های دیگری از قبیل شاخص توسعه جنسیتی (GDI)، شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM) و شاخص فقر انسانی (HPI) شد، که همه این شاخص ها سه بعد امید به زندگی، دانش و استاندارد زندگی مناسب را اندازه می گیرند (عظیمی، ۱۳۸۹).

³ Genuine Progress Indicator

⁴ Social Health Index

⁵ Human Development Index

⁶ Gender Development Index

⁷ Gender Empowerment Index

شاخصهای کیفیت زندگی باید ویژگی های زیر را داشته باشند؛

- به سیاستگذاران عمومی برای توسعه و ارزیابی برنامه ها در همه سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی، استانی، کشوری و بین المللی کمک کنند.
- امکان نظارت و کنترل در دوره های زمانی مختلف را داشته باشند.
- اطلاعات دارای پایایی، اعتبار و حساسیت باشند.
- بر مبنای نظریه ای مناسب تهیه و تدوین شده باشند.
- قابل درک باشند و به ساده سازی اطلاعات پیچیده کمک کنند.
- در جامعه در حال تغییر، انعطاف پذیری داشته باشند.

با توجه به ساختار سیاسی-اجتماعی ایران، یازده شاخص کلی برای اندازه گیری کیفیت زندگی در ایران قابل طرح است. این یازده شاخص عبارتند از: شاخص محیطی (بر اساس دو محیط کالبدی و محیط زیست طبیعی)، فرهنگ شهروندی، اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی، آموزش و تحصیلات و مهارت ها، زیرساخت ها و تأسیسات، سلامتی و بهداشت، حقوق شهروندی، تفریحات و سرگرمی و استراحت، مسکن و سرپناه (بر اساس دو کیفیت کالبدی و کیفیت سکونتی آن) و امنیت (سواد کوهی، ۱۳۸۹).

۵-۳- شاخص های کیفیت زندگی شهری

کیفیت زندگی شهری معمولاً هم توسط شاخصهای ذهنی و با استفاده از پیمایش هایی برای جمع آوری ادراکات ذهنی و میزان رضایت شهروندان از زندگی شهری ارزیابی می شود و هم توسط شاخصهای عینی و با استفاده از داده های ثانویه و وزن دهی به هر شاخص در محیط شهری. برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری هم با ارقام و آمارهای عینی و واقعی زندگی شهروندان و هم با درک روانی و ذهنی افراد از موقعیت زندگی آنها در ارتباط است. شکی نیست که تدوین معیارها و شاخصهای کیفیت زندگی شهری به منظور مدلسازی اولویتها، انتظارات و نیازهای واقعی شهروندان در هر مقیاس مطالعه ضروری است؛ اما این محاسبه باید توسط هر دو دسته شاخصهای عینی و ذهنی انجام پذیرد. نویسندگان متأخری چون مازلو^{۱۰} در سال ۱۹۵۴ و مک کال^{۱۱} در سال ۱۹۷۵ بر استفاده از شاخص های عینی بین فرهنگی مانند غذا و سرپناه و سایر نیازهایی که در تمامی فرهنگ ها عمومیت دارند برای محاسبه کیفیت زندگی تأکید کرده اند. از سوی دیگر شاخصهای ذهنی نیز برای محاسبه سطوح رضایت فردی از زندگی، به میزان مورد انتظار افراد، بکار می رود. تفاوت شاخصهای عینی و ذهنی کیفیت زندگی بدین دلیل مهم است که تجربه درک عمومی از رضایت زندگی را به بعد فردی آن پیوند می دهد. در حال حاضر ۲۰۰ شهر جهان از هر دو شاخص عینی و ذهنی برای محاسبه کیفیت زندگی شهری استفاده می کنند. مدل جکسونویل^{۱۲} یک مدل شناخته شده در سنجش کیفیت زندگی در آمریکا است که از سال ۱۹۸۵ بطور سالانه برای پایش کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می گیرد و در حال حاضر با ۷۱ شاخص برای اندازه گیری و پایش کیفیت زندگی ارائه شده است. این مدل با استفاده از هر دو شاخص عینی و ذهنی تبدیل به یک کاتالیزور برای ایجاد تغییرات مثبت در شرایط زندگی شهروندان شده است. نمونه دیگر شاخص سازی برای کیفیت زندگی، شاخص کیفیت زندگی پیرس کانتی است که ۸۰ شاخص در ۹ دسته یا گروه گردآوری شده

⁸ Human Poor Index

⁹ Urban Quality of Life

¹ Maslow 0

¹ McCall 1

¹ Jacksonville 2

اند؛ استطاعت مسکن اسمی، محیط پاک، هزینه تأسیسات کارآ، فعالیتهای فرهنگی و اوقات فراغت، میزان تحصیلات، حمل و نقل منطقه ای و کارآ، سلامت و امنیت افراد و اموال، اقتصاد سالم و توزیع شایسته زمین. شاخص کیفیت زندگی محله چارلوت، اقلیت زندگی را به عنوان یک نقطه تلاقی درجایی که شاخصهای رفاه اجتماعی، خصوصیات زمین، تبهکاری و پهنه قدرت اقتصادی، همگی در نظر گرفته شده اند مطرح کرده و در مجموع ۲۰ متغیر این مدل، کیفیت زندگی را تشکیل می دهند. سیک با استفاده از همین شاخصهای ۱۸ گانه به بررسی کیفیت زندگی ذهنی شهروندان سنگاپور پرداخت و دو سال بعد نیز کیفیت زندگی عینی ساکنان کشور سنگاپور را در پیمایشی مشابه بررسی کرد. نظام ارزیابی کیفیت زندگی شهری فدراسیون شهرداری های کانادا، ۱۰ شاخص زیرادبرمی گیرد؛ استطاعت شهر، کیفیت اشتغال، سلامتی، مسکن، زیربنای اجتماعی، منابع انسانی، اضطراب در اجتماع محلی، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شاخص ویژه دارای اولویت. در گزارش شاخصهای کیفیت زندگی شهرداریهای هلند علاوه بر شاخصهایی که فقر مسکن و تجهیزات شهری را می سنجد، بر شاخصهایی چون میانگین ساعت سفر بین محل کار و سکونت، فضای سبز، تعداد مراکز فرهنگی، تعداد اتومبیل و نسبت آن به مساحت شهر، تعداد اتوبوس در برابر ۱۰۰۰ نفر جمعیت و دسترسی به مرکز شهر تأکید شده است. در گزارش سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ هبیتات درباره سکونتگاه های انسانی، علاوه بر مقیاس شاخصهای مسکن و زیرساخت هایی چون آب و برق و تسهیلات بهداشتی، شاخصهایی چون آلودگی هوا در مقیاس شهری ارائه می شود (علی اکبری، ۱۳۸۹). راجرسون در سال ۱۹۹۹ به برخی از ویژگیهای مهم کیفیت زندگی شهری از دیدگاه صاحب نظران مطرح در این حوزه و اهمیت کیفیت زندگی شهری و تأثیر آن بر جذب سرمایه ها و نیز خصلت رقابت پذیری شهرها اشاره می کند (مؤذن، ۱۳۹۱).

۳-۶- کیفیت زندگی و برنامه ریزی شهری

برنامه ریزان شهری عهده دار مدیریت محیط عینی شهری می باشند. از اینرو، آگاهی آنها در مورد چگونگی تأثیرگذاری تصمیماتشان بر رضایت شهروندان از زندگی شهری مزایای زیادی برای آنها به همراه خواهد داشت. خروجی های مطالعات کیفیت زندگی شهری می تواند اطلاعات مفیدی برای برنامه ریزی توسعه و طراحی استراتژی هایی که کیفیت زندگی شهروندان را ارتقاء می بخشد، فراهم سازد. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می تواند به ارزیابی سیاستها، رتبه بندی مکانها، تدوین استراتژی های مدیریت و برنامه ریزی شهری کمک کرده و درک و اولویت بندی مسائل اجتماع برای برنامه ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می تواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویت های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاستها و استراتژیها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند. برنامه ریزان شهری، دولت مردان، سیاست مداران، سازمانهای غیردولتی (و نیز) عموم مردم می کوشند تا فرآیند و خروجی های برنامه ریزی را، در جهت تغییر شرایط و بالا بردن کیفیت زندگی تحت تأثیر قرار دهند و کالبد و محیط اجتماعی را فراهم کنند که در آن کیفیت زندگی ارتقاء یابد. مطالعه کیفیت زندگی در برنامه ریزی شهری به گستره وسیعی از فرض هایی متکی است که گستردگی آنها به اندازه گوناگونی است که در کیفیت زندگی میان افراد، گروه ها یا مکانها می تواند تشخیص داده شود و تدابیر تجویز شده می تواند یا باید تفاوتها (واختلافات) را ریشه کن نماید. به هر حال میان برنامه ریزان شهری و سیاست گذاران درباره تدقیق معنای کیفیت زندگی، اجزای منفردی که کیفیت زندگی را در بر دارند (کیفیت زندگی از مجموع و تعامل آنها بدست می آید) و روشی که از طریق آن برنامه های ویژه، کیفیت زندگی را بهبود

¹ Charlotte Neighborhoods Quality of Life

می بخشند، توافق اندکی وجود دارد. در واقع استفاده از مفهوم کیفیت زندگی شهری در برنامه ریزی شهری حداقل می تواند در دو مرحله از فرآیند برنامه ریزی مورد استفاده قرار بگیرد. مرحله اول جایی است که برنامه ریزان می خواهند چشم انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در واقع در این مرحله برنامه ریزان در پی آن هستند تا اولویت ها و مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، بطور ویژه مورد توجه قرار بدهند، مرحله دوم جایی است که برنامه ها و پروژه ها می بایست مورد ارزیابی قرار بگیرند تا سودمندی و کارایی آنها تأیید شود. در واقع برنامه ها و پروژه هایی می تواند سودمندی و کارایی داشته باشد که در نهایت منجر به بالا بردن کیفیت زندگی شهری شود و بخصوص برخی ابعاد آنرا که بیشتر مورد توجه برنامه ریزان شهری می باشد، ارتقاء دهد (لطفی، ۱۳۸۸).

۷-۳- پیشینه تحقیق

بهرامی نژاد (۱۳۸۲) در پایان نامه خود در بررسی عوامل مؤثر بر ارزیابی کیفیت محیط شهری به عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند قومیت، امنیت، دزدی، میزان باسوادی و تحصیلات، عوامل اقتصادی و کالبدی و عامل ساختار فضایی اشاره کرده و بافت میانی شهر شیراز را دارای کیفیت محیط شهری نسبتاً نامناسب ارزیابی نموده است.

علی اکبری در سال ۱۳۸۳ تأثیرات رشد شهرنشینی چند دهه اخیر بر کاهش سرانه های برخورداری جامعه شهری ایران را بررسی کرده است. وی ضمن بررسی جنبه های آسیب شناسی مرتبط با رشد شتابان شهرنشینی در ایران، این پدیده را عامل اصلی کاهش سرانه برخورداری از امکانات و خدمات اجتماعی و در نتیجه افت کیفیت زندگی شهری در کشور می داند.

پورجعفر و همکاران در سال ۱۳۸۴ به مطالعه موردی برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مرکز خرم آباد پرداخته اند که طی آن به شاخصهای مهم برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری و اهمیت و ضرورت برنامه ریزی های مربوط به آن اشاره شده است.

جاجرمی و کلتی در سال ۱۳۸۵ شاخصهای کیفیت زندگی را از نظر شهروندان در شهر گنبد قابوس با محوریت شاخصهای خدماتی (خدمات شهری) ارزیابی کرده اند که نتایج آن نشان داده که دسترسی به امکانات و خدمات شهری در مناطق مختلف شهر نسبتاً مناسب است ولی نابرابری کیفیت زندگی در نواحی مختلف شهر را یکی از ویژگیهای آنی معرفی می کند.

گروسی و نقوی در سال ۱۳۸۷ در مقاله ای تحت عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان به شناسایی سطح سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی و ارتباط این دو متغیر در محلات مختلف شهر کرمان پرداختند که نتایج این مطالعه نشان داد سطح سرمایه اجتماعی در دسترس با سطح کیفیت زندگی ارتباط معنادار دارد و ارتباط این دو متغیر تابعی از سطح محله است؛ علاوه بر این، بالا نبودن سطح کیفیت زندگی در بین شهروندان تحت تأثیر سطح نسبتاً متوسط سرمایه اجتماعی ایشان است.

غفاری و امیدی در سال ۱۳۸۷ به بررسی مفهوم کیفیت زندگی در محتوای برنامه های توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که در هیچ کدام از برنامه ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاست گذاری ارتقاء نیافته اند و بیشتر از جایگاهی خدماتی برخوردار بوده اند و به مسائل اجتماعی از منظر اقتصادی نگاه شده و برنامه ها در قبل و بعد از انقلاب تحت تأثیر الگوهای جهانی قرار داشته اند. ایشان هم چنین در کتاب «کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی» ابتدا خاستگاه مفهومی کیفیت زندگی و رویکردهای مختلف در آن را بیان نموده و سپس با بررسی مدل مفهومی و نظری سازی کیفیت زندگی به ارزیابی کیفیت زندگی با روش تحلیل محتوی اقدام نموده اند.

لطفی در سال ۱۳۸۸ در مقاله ای تحت عنوان مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری از یکسویه بررسی ادبیات مطروحه در این زمینه در سطح جهانی و از سوی دیگر به تحلیل شیوه های سنجش این مفهوم در برنامه ریزی

شهری ولزوم آن میپردازد. محمدرضا رضوانی در مقاله ای با عنوان سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج در مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای با استفاده از دوروش تاکسونومی و موریس به بررسی سطح توسعه یافتگی روستاهای این شهرستان پرداخته است.

رضوانی و همکاران در سال ۱۳۸۸ در مقاله ای توسعه و سنجش شاخصهای کیفیت زندگی شهری در شهر نورآباد لرستان را مورد بررسی قرار داده اند که مقایسه نتایج کیفیت عینی و ذهنی زندگی در شهر نورآباد نشان می دهد که ۲۵ درصد خانوارها در حالت بهزیستی و ۳۰/۱ درصد در حالت محرومیت قرار دارند؛ در حالی که ۲۴/۴ درصد آنها در حالت ناهماهنگی و ۲۰/۴ درصد در حالت انطباق قرار گرفته اند.

محمدی سوادکوهی در سال ۱۳۸۹ به بررسی مفهوم و شاخصهای کیفیت زندگی شهری و نقش شوراهای در ارتقای آن در ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی (شورای عالی استان ها) پرداخته که با توجه به مطالعه صورت گرفته میتوان گفت مطالعه کیفیت زندگی راهی بین مسئولان محلی و شهروندان برای تعاملی سازنده که منجر به تفسیر و بحث در مورد موضوعات کلیدی مؤثر بر زندگی مردم می شود، باز می کند و در این میان شوراهای شهر حیاتی ترین نقش را برای ارتباط مناسب میان شهروندان (خاستگاهی که آنان را انتخاب کرده است) و مدیریت شهری (جایگاهی که در آن مشغول اند) ایفا می کنند.

مؤذن و علیزاده اقدم در سال ۱۳۹۱ در مقاله ای تحت عنوان بررسی کیفیت زندگی شهری: مدلی برای سنجش و رتبه بندی استانهای ایران با استفاده از تحلیل خوشه ای با هدف تعیین شاخصهای نظری سنجش کیفیت زندگی عینی، ضمن ارائه مدلی برای سنجش کیفیت زندگی شهری در ایران بر طبق تحلیل آمارهای موجود و نیز با استفاده از تحلیل خوشه ای، به رتبه بندی استانهای ایران از لحاظ برخورداری از میزان کیفیت زندگی پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد، استان اصفهان با نمره کیفیت زندگی ۴/۵۲ بالاتراز حد میانگین، بالاترین رتبه (رتبه یک) را به خود اختصاص داده است.

موسوی و باقری کشکولی در سال ۱۳۹۱ در مقاله ای به ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت پرداخته اند که نتایج حاصل از روش تحلیل مسیر نشان داد متغیرهای کالبدی با میزان ۰/۸۶۷ بیشترین آثار را در بالا رفتن میزان کیفیت زندگی در سطح محلات شهر سردشت داشته است در نتیجه برای بهبود کیفیت زندگی در سطح محلات شهر سردشت برنامه ریزی در شاخصهای اقتصادی، کالبدی بسیار تأثیرگذار است.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق به این معنی است که مشخص نماییم که چه روش تحقیقی برای رسیدن به موضوع تحقیق، با توجه به هدف تحقیق و امکانات اجرایی مناسب است (باقر زاده ۱۳۸۴). از آنجا که در پژوهش به طور غالب به دلیل این که جمع آوری اطلاعات از همه اعضای تشکیل دهنده یک جامعه، زمان بر بوده و از نظر هزینه مقرون به صرفه نیست و توانایی انجام تحقیق روی کل جامعه وجود ندارد، محقق از جامعه اصلی (کل) نمونه ای را گزینش می کند. لذا در پژوهش حاضر با توجه به تعداد جامعه آماری بسیار زیاد می باشد، تعداد ۳۶۰ نفر مطابق با فرمول کوکران بعنوان نمونه آماری انتخاب و پرسشنامه ها در میان آنها توزیع گردید. در تحقیق پیشرو به تبیین شاخصهای کیفیت زندگی در محلات مورد نظر با استفاده از داده پرسشنامه ای و داده های مستخرج از منابع دیگر پرداخته شده و جهت تعیین رتبه کیفیت زندگی محلات شهر و تحلیل متغیرهای مورد نظر از تکنیک **SWOT** استفاده شده است.

۵-سوالات تحقیق

- فرصت هایی که شهر فریدون کنار در قالب سطح کیفیت زندگی با آن روبرو می باشد کدام است؟
- تهدید هایی که شهر فریدون کنار در قالب سطح کیفیت زندگی با آن روبرو می باشد کدام است؟
- نقاط قوتی که شهر فریدون کنار در قالب سطح کیفیت زندگی با آن روبرو می باشد کدام است؟
- نقاط ضعفی که شهر فریدون کنار در قالب سطح کیفیت زندگی با آن روبرو می باشد کدام است؟

۶-تجزیه و تحلیل داده‌ها با تکیه بر تکنیک SWOT

۶-۱- تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (فرصت‌ها) با تکیه بر تکنیک SWOT

جدول (۱) نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (فرصت‌ها)

امتیاز وزنی	وزن	درجه بندی	فرصت‌ها
۰,۸	۰,۱۱	۷	خرده فرهنگ مناسب ناشی از حضور دانشجویان در شهر
۰,۸	۰,۱۳	۶	تدوین برنامه های زیست محیطی در مناطق شهری و ساحلی
۰,۹	۰,۱۲	۸	ایجاد زمینه مشارکت همگانی در امور شهر و شهروندی
۰,۶	۰,۱۳	۵	وجود فرصتهای سرمایه گذاری اقتصادی بخش خصوصی در جهت بالا بردن سطح کیفی زندگی مردم
۰,۷	۰,۱۱	۶	امکان افزایش انگیزه در سرمایه گذاران داخلی و خارجی در منطقه بدلیل وجود بندر چندمنظوره
۳,۸	۰,۶	۳۲	جمع

منبع؛ یافته های تحقیق

باتوجه به جدول (۱) مهمترین فرصت هایی که شهر فریدون کنار در قالب موضوع مطروحه با آن روبرو می باشد عبارتند از ؛

- ایجاد زمینه مشارکت همگانی در امور شهر و شهروندی با امتیاز وزنی ۰,۹
- خرده فرهنگ های مناسب ناشی از حضور دانشجویان در شهر با امتیاز وزنی ۰,۸
- تدوین برنامه های زیست محیطی در مناطق شهری و ساحلی با امتیاز وزنی ۰,۸

۲-۶- تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (تهدیدها) با تکیه بر تکنیک SWOT

جدول (۲): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خارجی (تهدیدها)

امتیاز وزنی	وزن	درجه بندی	تهدیدها
۰,۹	۰,۲	۴	افزایش قیمت زمین و مسکن و خدمات
۰,۷	۰,۲	۳	عدم مکان یابی صحیح دفع زباله شهری در شهرستان
۰,۷	۰,۳	۲	اشغال حریم دریا و رودخانه در سطح شهر
۰,۶	۰,۶	۱	خرده فرهنگ های نامناسب ناشی از وجود گردشگران
۰,۸	۰,۲	۳	قرارگیری کاربری های مسکونی و تجاری و خدماتی همجوار محل دفع زباله
۰,۶	۰,۳	۲	عدم تخصیص بودجه کافی از سوی دولت جهت ساماندهی شهری
۴,۳	۱,۸	۱۵	جمع

منبع؛ یافته های تحقیق

از جمله مهمترین تهدیدهای پیش روی شهر فریدون کنار با توجه به جدول (۲) به ترتیب ذیل می باشد؛

- افزایش قیمت زمین و مسکن و خدمات با امتیاز وزنی ۰,۹
- قرارگیری کاربری های مسکونی و تجاری و خدماتی همجوار محل دفع زباله با امتیاز وزنی ۰,۸
- عدم مکان یابی صحیح دفع زباله شهری در شهرستان با امتیاز وزنی ۰,۷

۳-۶- تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط قوت) با تکیه بر تکنیک SWOT

جدول (۳): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط قوت)

امتیاز وزنی	وزن	درجه بندی	نقاط قوت
۰,۹	۰,۱۱	۸	بالا بودن نرخ مالکیت خصوصی
۰,۷	۰,۱۵	۵	وجود دانشگاه پردیسان در شهر
۰,۸	۰,۱۲	۷	نرخ بالای ساکنین باسواد
۰,۷	۰,۱۳	۶	وجود محله های منسجم
۰,۹	۰,۱۱	۹	تمایل ساکنین به مشارکت در امور شهر و محله
۰,۹	۰,۱۲	۸	سهولت دسترسی به مرکز شهر
۰,۸	۰,۱۱	۷	مناسب بودن کیفیت حمل و نقل عمومی در محلات
۰,۷	۰,۱۴	۵	رضایت شهروندان از نظافت عمومی محلات و سطح شهر
۰,۶	۰,۱۳	۵	توانایی متوسط خانواده ها در پس انداز قسمتی از درآمدها
۰,۸	۰,۱۲	۷	وجود رضایت شغلی نسبی در شهروندان
۷,۸	۱,۲۴	۶۷	جمع

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول (۳) مهمترین نقاط قوت در شهر فریدون کنار به شرح ذیل دسته بندی شده اند؛

- تمایل ساکنین به مشارکت در امور شهر و محله با امتیاز وزنی ۰,۹
- بالا بودن نرخ مالکیت خصوصی با امتیاز وزنی ۰,۹
- سهولت دسترسی به مرکز شهر با امتیاز وزنی ۰,۹

۴-۶- تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط ضعف) با تکیه بر تکنیک SWOT

جدول (۴): نتایج تجزیه و تحلیل عوامل داخلی (نقاط ضعف)

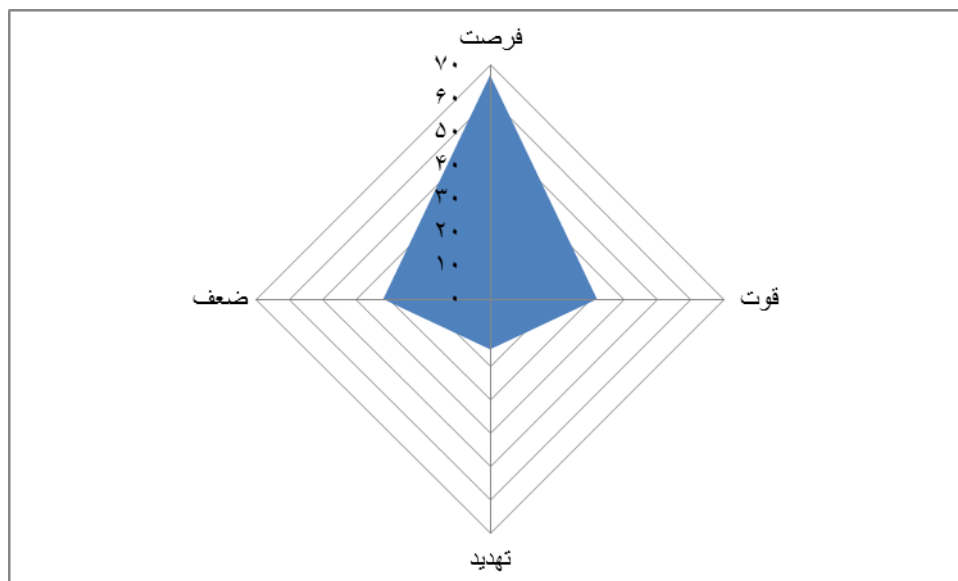
امتیاز وزنی	وزن	درجه بندی	نقاط ضعف
۰,۹	۰,۲	۴	عدم وجود برنامه ریزی مدون مسئولین جهت هدایت صحیح سرمایه گذاری و بکارگیری خدمات
۰,۸	۰,۲	۳	عدم هماهنگی ارگانهای دولتی با یکدیگر جهت حفظ محیط زیست شهری
۰,۷	۰,۳	۲	وجود فضاهای بی دفاع شهری
۰,۹	۰,۲	۴	نگرانی خانواده ها از شیوع مصرف موادمخدر در محلات
۰,۷	۰,۳	۲	عدم احساس امنیت کافی برای زنان و کودکان در محلات
۰,۶	۰,۶	۱	عدم وجود احساس تعلق به محله در میان ساکنین
۰,۷	۰,۳	۲	کاهش کیفیت ساخت با توجه به بالا بودن هزینه ساخت
۰,۸	۰,۲	۳	قیمت بالای زمین و مسکن
۰,۹	۰,۲	۴	کیفیت نامطلوب دفع آبهای سطحی در محلات
۰,۸	۰,۲	۳	بی قوارگی ساختمان ها در محلات (قرارگیری ساختمان قدیمی و جدید در کنار هم)
۰,۶	۰,۶	۱	کمبود فضای سبز در برخی محلات
۰,۸	۰,۲	۳	سطح پایین دستمزدها و عدم توانایی در تأمین برخی هزینه ها
۹,۲	۳,۵	۳۲	جمع

منبع: یافته های تحقیق

همچنین با توجه به جدول (۴) مهمترین نقاط ضعف به شرح ذیل دسته بندی گردیده اند؛

- عدم وجود برنامه ریزی مدون مسئولین شهری جهت هدایت صحیح سرمایه گذاری و بکارگیری خدمات با امتیاز وزنی ۰,۹
- نگرانی خانواده ها از شیوع مصرف موادمخدر در محلات با امتیاز وزنی ۰,۹
- کیفیت نامطلوب دفع آبهای سطحی در محلات با امتیاز وزنی ۰,۹

نمودار تار عنکبوتی نقاط قوت، ضعف، فرصت، تهدید



۷- نتیجه گیری

در تحلیل SWOT با استفاده از جداول تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آنها مهمترین عوامل استراتژیک در سطح کیفیت زندگی منطقه موصوف ارائه گردیده است. در واقع، با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک برنامه ریزانی که تصمیمهای استراتژیک را در مورد کیفیت زندگی اتخاذ می نمایند می توانند نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت ها را به تعداد کمتری از عوامل محدود کنند. در نهایت با تداخل هر یک از عوامل بر یکدیگر، به تدوین راهبردهای مختلف رقابتی تهاجمی (SO)، تنوع (ST)، بازنگری (WO) و راهبردهای تدافعی (WT) پرداخته شده است. با توجه به داده ها (بر اساس درجه بندی) در نمودار شماره (۴-۴) پتانسیل و توانایی های در سطح کیفیت زندگی شهر فریدون کنار مساحت زیادتری را در قسمت (WO) و (SO) به خود اختصاص داده است. لذا بهترین نوع استراتژی در این منطقه استراتژی تهاجمی و بازنگری بصورت توأم با یکدیگر می باشد.

منابع

۱. بهرامی نژاد، دهقان، ۱۳۸۲، شناخت و ارزیابی کیفیت محیط شهری در بافت میانی شهرها (مطالعه موردی: بافت میانی شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه ریزی شهری و منطقه ای، دانشگاه شیراز.
۲. پوراحمد، احمد و فرجی، امین و آزاده عظیمی و صدیقه لطفی، "تحلیل طبقه بندی کیفیت زندگی شهری باروش SAW"، فصلنامه پژوهشهای جغرافیای انسانی، سال ۱۳۹۱، دوره ۴۴، شماره ۴، ص ۴۴-۲۱.
۳. پورجعفر، محمدرضا و کوبی، افشین و علی اکبر تقوایی، "برنامه ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری، تعاریف و شاخصها"، فصلنامه جستارهای شهرسازی، سال ۱۳۸۴، شماره ۱۲، ص ۱۳-۶.
۴. جاجرمی، کاظم و کلت، ابراهیم، "سنجش وضعیت شاخصهای کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی گنبد قابوس"، مجله جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۱۳۸۵، سال چهارم، شماره پیاپی ۸، ص ۱۶-۵.
۵. رضوانی، محمدرضا و متکان، علی اکبر و حسین منصوریان و محمدحسین ستاری، "توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری، مطالعه موردی شهر نورآباد لرستان"، مجله مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه ای، ۱۳۸۸، سال اول، شماره دوم، ص ۸۷-۱۱۰.
۶. رضوانی، محمدرضا و منصوریان، حسین، "سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخصها و مدلها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی"، فصلنامه روستا و توسعه، پاییز ۱۳۸۷، سال ۱۱، شماره ۳.
۷. علی اکبری، اسماعیل، "توسعه شهری و آسیب شناسی اجتماعی در ایران"، مجله پژوهشهای جغرافیایی، ۱۳۸۳، سال چهارم، شماره ۸۴.
۸. علی اکبری، اسماعیل و امینی، مهدی، "کیفیت زندگی شهری در ایران (۱۳۸۵-۱۳۶۵)"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۹، سال دهم، شماره ۳۶، ص ۱۳۲-۱۲۸.
۹. غفاری، غلامرضا و لویه ابراهیمی، عادل، ۱۳۸۴، جامعه شناسی تغییرات اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۱.
۱۰. فرجی ملائی، امین، "رویکردهای کیفیت زندگی"، ماهنامه اطلاع رسانی آموزشی و پژوهشی (شورای عالی استانها)، بهمن ۸۹، شماره ۵۵، ص ۱۵-۹.
۱۱. گروسی، سعیده و نقوی، علی، "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان"، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۷، سال هشتم، ش ۳۱ و ۳۰.
۱۲. لطفی، صدیقه، "مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا انسانی، ۱۳۸۸، سال اول، شماره ۴، ص ۶۸.
۱۳. محمدی سوادکوهی، خدیجه، "مفهوم و شاخصهای کیفیت زندگی شهری و نقش شوراها در ارتقای آن"، ماهنامه اطلاع رسانی آموزشی و پژوهشی (شورای عالی استانها)، بهمن ۸۹، شماره ۵۵، ص ۱۹-۱۶.
۱۴. مرکز بهداشت فریدونکنار، اطلاعات خانوار شهر فریدونکنار، سال ۱۳۹۰.
۱۵. مرکز آمار ایران، اطلاعات جمعیتی شهر فریدونکنار، سال ۱۳۹۰-۱۳۴۵.
۱۶. مؤذن، احمد و علیزاده اقدم، محمدباقر، "بررسی کیفیت زندگی شهری: مدلی برای سنجش و رتبه بندی استانهای ایران با استفاده از تحلیل خوشه ای"، مجله جامعه شناسی ایران، پاییز ۹۱، دوره سیزدهم، شماره ۳، ص ۱۷۴-۱۴۹.
۱۷. موسوی، میرنجف و باقری کشکولی، علی، "ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در محلات شهر سردشت"، ۱۳۹۱، ص ۹۶-۹۷.

۱۸. مهدی زاده، جواد، "برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران)"، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۲، تهران.

منابع لاتین:

19. Kahneman ,D. and A. Deaton (2010) “ High income improves evaluation of life but not emotional well-being ,” Proceedings of the National Academy of Sciences , 107 (38) : 16489 – 16493.
20. Lee , Y. -J.2008, subjective quality of life measurement in Taipei ,Building and Environment , No.43(7).
21. Li ,G. and Weng ,Q.2007,Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data , International Journal of Remote sensing ,28(2).
22. Lotfi , S .Faraji , A: Hataminejad , H and Pourahmad , A (2011) A Study of urban quality of life in a Developing Contry , Journal of Social Sciences 7(2) : 232 – 240 , 2011.
23. Pacione ,M,(1982),The use of objective and subjective measures of quality of life in human geography.Prog.Hum.Geogr.6(4),495-514.
24. Seligman , M.(2011)Flourish: A Visionary New Understanding of Happiness and Well-being ,New York : simon & Schuster.